



بیانیه سیاسی

نشست چهارم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری

نشست چهارم شورای کادرهای تشکیلات کردستان در پایان مباحث خود انتشار یک بیانیه سیاسی را تصویب کرد. نشست تهیه و تنظیم آن را به کمیته کردستان منتخب خود واگذار نمود. اکنون این بیانیه منتشر میشود. صفحه ۲



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن اختیار
به انسان است.

منصور حکمت

بازی نیروهای سناریو سیاه با مدنیت جامعه عراق

انتقامجویی بانیان نظم نوین "دمکراسی" از جانپان اسلامی، چند خانه مسکونی با خاک یکسان شده و در یک مورد ۷ غیرنظامی کشته و در ۱۵ نفر زخمی شدند و در مورد دیگر یک خودرو و یک ماشین پاری که به یک پست بازرسی آمریکاییان نزدیک میشدند، زیر آتش قرار گرفته و دو نفر دیگر کشته شدند. تمام راهها به فلوجه توسط نیروهای آمریکایی مسدود شده و جنگ و درگیری خونین ادامه یافت. در ناصریه نیروهای "شيعه" و شبه نظامیان "مهدي" وابسته به مقتدا صدر سه پل بر رودخانه فرات را اشغال کردند و جنگ و گریز بازم خونین تر با نیروهای ایتالیایی مستقر در این شهر ابعاد تازه ای بخود گرفت. در کوفه افراد صدر پس از دستگیری یک سرباز اسپانیایی با گذاشتن نارنجک در دهان او، او را لحظاتی پس از دستگیری "اعدام اسلامی" کردند. شهر کوفه عصر روز سه شنبه همین هفته، تحت تسلط نیروهای صدر قرار گرفت و تقریباً تمام ساختمانها و مقرهای دولتی و پلیس به اشغال "ارتش المهدي" درآمدند. بدین ترتیب نیروهای "آزادبخش" و "ضد اشاگران" موج تازه ای از جنون آدمکشی را براه انداخته اند. بوش و برمر اعلام کرده اند، علیرغم به قتل رسیدن



ایرج فرزاد

در رویدادهای آخر روز شنبه و روز یکشنبه این هفته بغداد، نجف، کوفه و چند شهر دیگر، تعدادی از مردم و نیز نیروهای آمریکایی و اسپانیایی کشته شدند. چند روز قبل از این وقایع ۴ نفر از کارکنان یک شرکت آمریکایی که برای نیروهای نظامی فعالیت داشتند، در شهر "سنی نشین" فلوجه بطرز وحشیانه ای کشته شدند و پس از آنکه اجسادشان به شیوه جهاد اسلامیون به ماشین بسته شده و در خیابانها روی زمین کشیده شدند، جسد مثله شده دو تن از آنان را بر فراز پل رودخانه فرات در فلوجه آویزان کردند. روز دوشنبه همین هفته ارتش آمریکا به منظور یافتن مسببین این حادثه، شهر فلوجه را به محاصره در آورده و جستجوی خانه به خانه را آغاز کرد، در اولین ساعات این عملیات

صفحه ۵

با عبدالله دارابی و یدی کریمی در میان مردم شهر مریوان



یدی کریمی



عبدالله دارابی

در شماره قبل ایسکرا با مجید حسینی گفت و شنودی داشتیم و سوالاتی را از او در مورد حضور رهبری حزب در شهر مریوان طرح کردیم. در این شماره از عبدالله دارابی و یدی کریمی خواسته ایم که به سوالات ایسکرا پاسخ دهند. صفحه ۲

اول ماه مه را تعطیل کنیم و به خیابان بیاییم!

صفحه ۶

انقلاب در میزند کومه له کجاست؟

عبدالله شریفی

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر-۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹
به وقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت:
www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال:
سیاوش دانشور

با عبدالله دارابی

ایسکرا: این چندمین بار است که رهبران حزب در میان مردم شهر های کردستان حضور علنی پیدا میکنند، این موقعیت ویژه حزب کمونیست کارگری از کجا سرچشمه میگیرد؟

عبدالله دارابی: اوضاع حاد سیاسی جامعه ایران، سرعت در حال پیشروی به سمت تقابل آشکار توده های مردم ایران و کل رژیم اسلامی است. با توجه به سطح آگاهی مردم ایران و حضور و فعالیت یک جریان کمونیستی و انقلابی، انتظار اینکه مردم به اهداف و آرزوی های انسانی خود در بطن این تحولات برسند، واقعی و کاملاً قابل پیش بینی است. ما مدت ها است شاهد جلوه های مبارزات، اعتصابها، راهپیمائی و تظاهرات و رودروئی با نیروهای رژیم اسلامی تقریباً بطور هر روزه در کارخانه و میادین و خیابانهای شهرها، و دانشگاه ها

پیگیر و بی امان علیه ارتجاع سطنتی و اسلامی حاکم بر ایران و جریانات بورژوازی و ناسیونالیستی موجود در منطقه است. پروژه رهبران حزب در میان مردم و حضور آنها در داخل شهر های کردستان به اتکا این پیگیری و تداوم بدون تزلزل دفاع از منافع مردم و نمایندگی کردن آرزوهای آنان ممکن شده است. یک دلیل مات و مبهوت شدن نیروهای ناسیونالیست کرد که همواره در این توهم بوده اند که گویا خرافه ناسیونالیستی ریشه های محکمی در میان مردم کردستان دارد و اما بطور واقعی با انتظارات مردم بیگانه اند، از همین واقعیت سرچشمه میگیرد.

ایسکرا: شما در این دیدارها، هر بار با جوانب تازه تری در مناسبات بین حزب و مردم روبرو شده اید، از نظر شما این بار و در جریان حضورتان در آستانه سال نو در میان مردم مرپوان، چه نکاتی جلب توجه کرد؟

عبدالله دارابی: مشاهده جنبه های

تازه تر و جدید تر، ناشی از شرایط جدیدی بود که مردم با مبارزات خود، زمینه های آنرا فراهم کرده بودند. این بار برخلاف تصورات واهی رژیم و جریانات ناسیونالیست، مردم شهر مرپوان، بخاطر فرا رسیدن سال نو، از یکی دو هفته قبل تر ورود رهبران حزب کمونیست کارگری به داخل شهر مرپوان را انتظار می کشیدند و خود را آماده پذیرایی گرم از ما کرده بودند و دوست داشتند روزها و ساعات شادی سال نو را با رهبران این حزب جشن بگیرند. از این نظر، ورود ما به داخل شهر مصادف بود با صف آرایی دو نیروی مردم و رژیم جمهوری اسلامی در مقابل همدیگر و تقسیم بخش های از شهر بین این دو نیرو. علاوه بر آن، دیدار ما با مردم بویژه جوانانی مصمم و عزم جزم کرده ای بود که برای سرنگون کردن رژیم اسلامی آستین ها را بالا زده، حاکمیت رژیم را نقض کرده و با دخالتگری فعال خود تناسب قوا را واقعا تغییر

خواهد ماند.

ایسکرا: انتظارات اقشار مختلف مردم، و توقعاتشان را از حزب چگونه دیدید؟

عبدالله دارابی: حاد شدن اوضاع سیاسی و گسترش مبارزات مردم

صفحه ۴

و حاکمیت مستقیم مردم. حزبی که حاکمیت شورایی مردم را تضمین میکند. در یک کلام حزبی سیاسی و توده ای چشم دوخته به تصرف قدرت.

نشست چهارم بر این اساس بر نقش کلیدی رهبری در تحقق این جهت گیریها و انطباق سریع کل نیروی حزب در کردستان با نیازهای دوره جدید تاکید کرد.

نشست چهارم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب گردهمایی بزرگ و موفق، راهگشا و شورانگیزی بود که در یک کلام بر نقش تعیین کننده حزب کمونیست کارگری در تحولات دوره آتی جامعه تاکید جدی گذاشت. نشست چهارم در عین حال محل اتحاد و همدلی طیف وسیع رهبران و شخصیتها و فعالین دو دهه مبارزه کمونیستی بود، که تصمیم و عزم خود را برای تغییر اوضاع و سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروز کردن انقلاب مردم اعلام کردند. نشست چهارم مردم آرادخواه را به انتخاب حزب کمونیست کارگری و متشکل شدن حول سیاستهای این حزب فرامیخواند.

نشست چهارم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
فروردین ۱۳۸۳

و مردم از یکطرف و جمهوری اسلامی و کل ارتجاع، از طرف دیگر میتواند موقعیت متفاوت و در صورت آمادگی ما به نفع آزادی و رهایی جامعه فیصله یابد. لذا نشست بر آمادگی همه جانبه حزب در کردستان، حضور موثر در ابعاد متنوع مبارزات اجتماعی، سیاسی و اعتراضی جامعه، تاکید گذاشت. در راستای رسیدن به این هدف نشست چهارم بر محورهای زیر به عنوان جهت گیریهای ایندوره تاکید اساسی گذاشت.

- عروج رهبران و شخصیتها و کادرها و فعالین حزب به عنوان سخنگویان اعتراض مردم چه در بعد سراسری و چه در مبارزات محلی

- ابراز وجود علنی و اجتماعی فعالین جنبش کارگری و جنبش زنان و دیگر جنبشهای اعتراضی - تبدیل شدن به حزب لایتجزای مبارزات اجتماعی و توده ای جاری و الهام بخش و هدایتگر آن

- حزب دخالتگر و صاحب نیروی موثر در هر شهر و محله و محیط کار و دانشگاه و مدرسه

- حزبی با پتانسیل ابراز وجود نظامی قوی

- حزب مبتکر اتحاد و تشکل و مجمع عمومی و شورا و ایجاد سازمانهای توده ای

- حزب مبتکر سرنگون کردن جمهوری اسلامی، حزب کنترل کننده اوضاع و حزب اعلام قدرت

کارگر و پایان استثمار، تامین حقوق کودک و تضمین شرفایی و جوابگویی به نیازهای نسل جوان امروز، پایان دادن به اعتیاد و تن فروشی و بازیابی حرمت و کرامت و شخصیت قربانیان مصائب اجتماعی، و تقابل سراسر با ناسیونالیسم و به حاشیه راندن افق و سیاست و جنبش ناسیونالیستی، همگی کمونیسم کارگری و جواب روشن آن را میطلبند. در صورت جوابگویی به موقع، همین واقعیات پایه نفوذ و شرایط قدرت گیری ما را تامین میکند.

پایبای این تحولات، کمونیسمی معرّب و دخالتگر و کارآمد، کمونیسمی که نقطه مطفها و تند پیچهای اجتماعی و سیاسی مهمی را از سرگذرانده، کمونیسمی تجزیه یافته و حزب کمونیست کارگری حاضر و آماده با افق و سیاست و برنامه روشن و با طیف وسیعی از رهبری و کادرها و شخصیتهای شناخته شده و با اتکا به فعالین پر جنب و جوش و نیروی نسل جوان آگاه دخیل در جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی و انقلابی در شهرها و محیط کار و زندگی مردم برای کسب قدرت سیاسی آماده است.

نشست چهارم علاوه بر اینها تلاش کرد توجه عموم حاضرین را به حساسیت و تعیین کننده بودن دوره حاضر جلب کند. دورسرنوشت سازی که جابجایی قدرت بین ما

« بیانیه سیاسی نشست چهارم

برگزاری نشست چهارم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری با حضور ۱۸۰ نفر از اعضای شورای کادرها، رهبران و شخصیتها و فعالین سیاسی دو دهه اخیر مبارزات سیاسی و اجتماعی جامعه کردستان در تاریخ نهم و دهم اسفند ۱۳۸۲ واقعه سیاسی مهمی بود.

نشست چهارم شورای کادرها با دیدی روشن بر اوضاع بسیار متحول سیاسی و شکل گیری انقلاب مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تعیین تکلیف قدرت سیاسی در جامعه ایران، متمرکز شد. تاثیرات این اوضاع را بر تحولات سیاسی محیط بلافضل فعالیت خود در کردستان بررسی کرد. در این نشست بر این واقعیت تاکید شد که تحولات جامعه کردستان بخش لاینفک تحولات سراسری جامعه ایران و تشکیلات کردستان حزب به عنوان سازمان منطقه ای یک حزب سراسری بزرگ، اهرم قدرتمند تغییر تناسب قوا به نفع جنبش آزادی و برابری و جنبش و حزب کمونیست کارگری در صحنه ایران و کردستان است.

در این نشست تاکید شد، موضوع تعیین تکلیف قدرت و جدال بر سر جابجایی قدرت سیاسی بیش از پیش به محور تحولات جامعه

در سراسر ایران تبدیل شده است. این جدال در اعتراضات توده ای، در اعتراضات مبارزه جوانان، کارگران، زنان و عموم مردم تشنه رهایی و آزادی در قالب خواست فوری سرنگونی جمهوری اسلامی تجلی یافته است.

نشست چهارم شورای کادرها، بازتاب سیاسی اوضاع کنونی در جامعه کردستان، مسیر پر پیچ و خم تحولات و نقش تشکیلات کردستان حزب در شکل دادن به انقلاب و مبارزه مردم و تغییر مداوم تناسب قوا به نفع حزب و مبارزه آزادیخواهانه را بررسی و استنتاجات مشخصی برای فعالیت دوره آتی تشکیلات کردستان به عمل آورد.

جامعه کردستان تحولات عمیق اجتماعی و سیاسی و مبارزاتی نوینی را در دو دهه اخیر از سرگذرانده و به تاثیر از این تحولات و نقش خود ما به عنوان جریان کمونیستی، مسائل نوین، موضوعات و رادیکالیسمی به جلو صحنه رانده شده که جواب قطعی آن را از کمونیسم کارگری میطلبند. مبارزه بی امان علیه جمهوری اسلامی و برچیدن و ساقط کردن آن، حقوق برابر انسان و ایجاد جامعه انسانی، مذهب زدایی از جامعه، رهایی زن و تامین آزادی و برابری، رهایی

انقلاب درمیزند کومه له کجاست؟



عبدالله شریفی

abe_sharifi@yahoo.com

عراق از جانب جریان‌ات تروریست و مافیایی قومی و مذهبی و گماردگان آمریکا؛ و اعتراضات مردم در چند شهر کردستان ایران و مصاحبه رادیویی ابراهیم علیزاده در این مورد، اظهار نظر های مشابه در مورد از بورس افتادن "شیعه" نزد آمریکا) چه خوب شد ملت کرد شیعه نبود - از گفته های یکی از کادرهای مرکزی کومه له) و سر انجام اطلاعاتیه پلنوم بی شماره اخیر این سازمان، جای هیچ شک و شبهه ای را برای شتاب در سراسیمه راست روی رهبری کومه له باقی نگذاشته است.

این روند در حالی دارد بر سرعت خود می افزاید که جامعه ایران سراسر در یک تلاطم انقلابی می جوشد. روزانه ما شاهد اعتصابات کارگری، اعتراضات جوانان، جنبش رهایی زنان، جنبش خلاصی فرهنگی، خیزشهای شهری، و... هستیم. هر بهانه ای مردم را به جوش می آورد، شعار مرگ بر رژیم اسلامی فریاد زده میشود، شعار زنده باد آزادی و برابری، زنده باد عدالت و مرگ بر استبداد به گوش ناشنواترین جریان سیاسی و شبه سیاسی فرو رفته است. دیگر کسی را نمی بینید که امید و یاس خود را به انقلابی که در راه است گره زده باشد. سوال این است که این تناقض چرخش به چه جامعه و چرخش به راست کومه له را چه واقعیتی توضیح میدهند؟ چرا رهبری کومه له علیرغم شرایط پرشور و حضور مبارزات انقلابی مردم برای ساقط کردن نظام اسلامی بر انتخاب راست تاکید دارد؟ آیا این سرنوشت محتوم است؟

برای هر انسانی که تاریخ کمونیسم ایران را تعقیب کرده باشد و یا خود در ساختن این تاریخ دخیل بوده باشد، با نگرانی سرنوشت اسفناک ۱۲ سال گذشته کومه له را تعقیب کرده است و لابد سوالاتی از قبیل: "چرا چنین شد؟" و "این پروسه چه سرانجامی خواهد داشت؟" را در مقابل خود قرار خواهد داد.

برای یافتن جواب به این نوع پرسشها، باید به تاریخ و اسناد تاریخی این دوره رجوع کرد. هر

نظری و هر جهتگیری سیاسی که داشته باشید، باید به مباحث منصور حکمت از جمله، در باره فعالیت حزب کمونیست ایران در کردستان (۱۹۹۰)، فقط دو گام به پس، اسناد جنگ خلیج، رویدادهای بزرگ و انسانهای کوچک، سخنرانی انجمن مارکس در مورد انشعاب در کومه له، کومه له و بازسازی ناسیونالیسم کرد (انترناسیونال شماره ۱) و غیره و غیره مراجعه کنید.

کومله دورانه‌های تعیین کننده ای را پشت سر گذاشت و در هر دوره، علنی یا خزیده به انتخاب راست روی آورد. دوره هایی که دیگر بازگشت آنها ممکن نیست. سرنوشت تاسف بار کنونی کومه له اجتناب ناپذیر نبود، فرصتهایی که میتوانست سرنوشت کومه له را از این راست روی نجات دهد، عامدانه از طرف رهبری این سازمان از دست رفت. بعداز جنگ خلیج زیر چتر عبدالله مهددی و حزب نفرت او خزیدند. دیپلماسی چادر و رادیو و اردوگاه و... جواب راست روی آن دوره شان بود. نزدیک شدن به چه سنتی، کنار گذاشتن تقیه در فحاشی به کمونیسم کارگری، در کنار طالبانی و بارزانی ایستادن و مقابله و سکوت در مورد جبهه رادیکال و کمونیستی عراق، یعنی حزب کمونیست کارگری، آمد و رفت و اختلاط با حزب دمکرات و پس دادن کفاره گناهان جنگ "برادر کشی" یا این حزب، کل "هنر" سیاسی یک دوره این سازمان بود.

سر انجام طولی نکشید که باند مهددی یا جادوی جعبه سیاه و سر نیزه "مام" جلال، خیمه کودتا خود را در چند قدمی کنگره شان بر پا کردند، به تاسیس شاخه ایرانی اتحادیه میهنی به زعامت جلال طالبانی و ارشاد "روشنفکر لیبرال کرد" صلاح مهددی، جریان فاشیستی و باند سیاهی مهددی موسوم به باند زحمتکشان را در مقابل چشمانشان راه انداختند. اسم کومه له را به یغما بردند. کی بود که در مقابل این توطئه ایستاد؟ رهبری کومه له بود؟! قطعاً نه، ما بودیم. ما کمونیستهای کارگری بودیم که این چهره کریه را به جامعه معرفی کردیم. ما بودیم که سرازیر شدن سیل "چپ" پشیمان و نادم را به درون این جریان سد کردیم. در آن دوره به جای دفاع از خود و موجودیت خود، به جای افشا و طرد و

معرفی این باند، پند مسیح وار " اگر یک سیلی خوردی، رویت را بر گردان تا به طرف دیگری سیلی بنوازند" سیاست شد. توجیه "برادران مشکلائی تشکیلاتی" دارند، قهر کرده اند، "انشالله" بر میگردند پرچم شد!! و در عوض با میراث فرهنگ حزب نفرت "قاطعانه" با کمونیسم کارگری مرز کشیدند. چه دستاورد بزرگی!! کارگر و جوان و زن و انقلاب و کمونیسم و تغییر از پایین، "خیال پردازی" کمونیسم کارگری و ارتجاعی بودن ناسیونالیسم کرد، چپ روی نامیده شد. تئوری مارکسیستی و اصول کمونیستی هیچ شد و "پراتیک" جاجوش کردن در بستر ناسیونالیسم "دولت نوپا"ی کرد در سلیمانیه همه چیز، کمونیسم و سوسیالیسم و مبارزات جاری و موضوعگیری و افشا جریان‌ات بورژوازی و مذهبی و ملی، "ذهنی گری" حزب کمونیست کارگری و مام جلال و حزب دمکرات و مهددی و هر قره نوکی که در درگاه ناسیونالیسم کرد خدمت میکرد، تمام واقعیت قابل اتکا شد. بر این بستر، تئوری تسلیم طلبانه و ارتجاعی اصلاحات بورژوازی جمهوری اسلامی را تولیدات آذین-حجاریان، با احتیاط و دقت به خورد تشکیلات خود دادند. در این

روند تا چشم باز کردند، اسم و رسم کومه له را برای کثیف ترین معاملات ربودند، فرش زیرشان را کشیدند و "صبر ایوبی" نشان دادند. ما میگفتیم، چیزی بگویید. دفاعی بکنید. میگفتند مساله ای نیست، حزب کمونیست کارگری برای ما ایجاد مشکل میکند. تا با لکنت زبان به حرف آمدند، کار از کار گذشته بود. البته معجزات صبر ایوبی در امتداد این روند هنوز مشهود است. کتک کاری و بی احترامی به کادر ها و حتی تیراندازی و تهدید از سوی باند زحمتکشان بطور متناوب در جریان بوده است. کل این تحریکات با سکوت و بردباری رهبری کومه له جواب "قاطع" گرفت. داستان جبهه کردستانی درست کردن، ساخت و پاخت و مغالزه باند زحمتکشان با بها ادب، لانس شدن این باند بوسیله جریان‌ات ارتجاعی و ناسیونالیست ایرانی پرو آمریکایی، معرفی این باند به اسم کومه له از طرف دو خردادبهای رژیم و باران خارج از حاکمیت و جناحها و ژورنالیستهای سر به اسلام سیاسی در غرب و ... کسی را در کومه له تحریک

نکرد. به انزوا لجوجانه خود پا فشردند و در مقابل با پر کردن برنامه ها و صفحات نشریاتشان با کلی گویی بی سر و ته در مورد "سوسیالیسم" و غیره صفوف خود را به منظور دور کردن آنها از معضلات پیشروی تخدیر کردند. اسم "جادویی" کومه له و "نفوذ اجتماعی کومه له" که قرار بود طلسم کند و هیچ نکرده، مردم را کرور کرور به دور رهبری کومه له جمع کند، به سرعت باطل شد. معلوم شد جامعه جوان ایران و کردستان، دنبال جریانی هستند که حرف روز دارد، که خواست و مطالبه رادیکال آنها را نمایندگی میکند، که مصمم و قاطع به هر چرندیات ملی و مذهبی (نه) میگوید.

از منظر ناسیونالیسم کرد، که این همه سکوت و مماشات، این همه تحقیر و محدودیت را بر خود تقبل کرده بودند نیز جایی نیافتند، تا چشم باز کردند در درگاه ناسیونالیسم کرد هم آهسته و بی سرو صدا، خود را رانده شده یافتند. اگر قرار بود در این جبهه کسی دنبال کومه له باشد، همه باند زحمتکشان را معرفی میکردند، بر این جریان آگاهانه اسم کومه له را مونتاز کرده بودند.

فشار داخلی راست ناسیونالیست درون کومه له که عمدتاً در رهبری جا خوش کرده است، نوستالژی ناسیونالیستی که خمیره اشتراک دائمی کومه له و باند زحمتکشان بود و هست، این همه نا کامی و از اینجا مانده از آنجا رانده شدن را تقصیر "چپ" بودن کومه له میداند. مدتها است به بهانه برداشتن اسم حزب کمونیست بر این جریان، پروسه آشتی "کومه له ها" را در دستور ناگفته خود دارد.

بیاد دارم قبل از کنگره نهم این سازمان تعدادی از افراد قدیمی کومه له، در طوماری با توجیه تقویت چپ در کومه له، مجدداً به کومه له ملحق شدند. در این میان بودند کسانی که مرزشان با باند زحمتکشان، مویی بیش نبود. اما فضای افشاگرانه ما، مانع شد که کسی به جریانی ساخته و پرداخته جلال طالبانی ساده بپیوندد. تصادفی نیست که اکنون می شنوید که ابراهیم علیزاده در مصاحبه رادیویی خود میگوید: "... ما مدتی است مردم کردستان

با عبدالله دارابی

در همه شهر های ایران، عاجل بودن سرنگونی رژیم و دست یابی مردم به یک زندگی بهتر را در دستور روز قرار داده است. این تغییر توازن قوا و تحول سطح توقع مردم از هر نظر انتظارات بیشتر مردم را هم از حزب طرح کرده است. مردم حزب را بعنوان یک نیروی جدی در معادلات سیاسی ایران و یک پای تعیین تکلیف قدرت سیاسی میبینند و بنابراین توقع دارند این وظیفه تاریخی خود را به نحو شایسته حزب منصور حکمت انجام دهد.

برای نمونه همین حضور ما، راه انداختن تلویزیون ۲۴ ساعته، و فراتر از آن اشباع شهرهای ایران از ادبیات حزب، و... یک توقع قابل انتظار است. کارگران، زنان و جوانان و کل جامعه بحق انتظار دارند که حزب معضلات و مصائب ناشی از سلطه یک ربع قرن اسلام سیاسی بر جامعه ایران را حل کند و جامعه را به سمت آزادی و رفاه و خوشبختی هدایت کند.

ایسکرا: فکر میکنید که حزب و کمیته کردستان حزب چه اقدامات دیگری را باید در دستور کار خود بگذارد، تا هم به اهداف و نقشه عملهای خود نزدیک شود و هم حزب را بعنوان یک نیروی دخیل در تحولات جاری در ابعاد وسیعتری مطرح کند؟

عبدالله دارابی: شرایط حاضر فرصتهای خاص و ویژه ای را در پیش پای حزب گذاشته است که مکث کردن و فوکوس کردن و تخصیص نیرو و انرژی و امکانات روی آنها ضروری و حیاتی است. باید این فرصتها را دریافت و به استقبال آن رفت و در این دوره بسیار حساس حزب را به اعماق جامعه برد و با شتاب هر چه بیشتر آنرا نیرومند و قدرتمند تر ساخت. حزب باید همواره از سطح توقعات مردم فراتر رود و دورنمای روشنی از اهداف و آرمانهای مردم را پیش پای آنها ترسیم کند. حزب باید مهر خود را بر جدال روزمره و موجود در جامعه بکوبد و کاری کند پیش از پیش در دسترس جامعه قرار گیرد تا

نیروی هر چه بیشتری به آن روی بیاورند و در نهایت آنرا بعنوان تنها ابزار تحقق مطالبات و انتظارات خود انتخاب کنند. کمیته کردستان باید با تمام توان از نفوذ اجتماعی و اعتبار واقعی خود استفاده کند و کردستان را

به سنگر محکم برای جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران تبدیل نماید. کمیته کردستان از توان و پتانسیل آنچنانی برخوردار هست که براحتی بتواند اجرای پروژه های مهم و بزرگ را در دستور کار خود قرار دهد و با توسل به آنها کل افکار عمومی ایران و جهان نیز را تحت شعاع خود قرار دهد.

ایسکرا: چه پیامی برای مردمی که دلسوزانه و مسئولانه این دیدار را ممکن ساختند، دارید؟

موقعیت و وضعیت امروز رژیم جمهوری اسلامی و نیرو هایش به مثابه رژیمی که عمرش به پایان رسیده و آخرین روز های عمرش را روز شماری می کند و از طرف دیگر به موقعیت مردمی که عزم جزم کرده اند که این رژیم ضد بشری را سرنگون کنند و وجود حزبی محبوب مردم، روشن بین، با برنامه، مصمم و آماده رهبری مبارزه برای بزیر کشیدن جمهوری و بدست گرفتن قدرت سیاسی و برقرار کردن جمهوری سوسیالیستی و دنیای آزاد و برابر، برمی گردد.

بگذارید من این موقعیت و وضعیت را که خود بطور عینی دیده ام را برای خوانندگان نشریه باز گو کنم:

رژیم از چند روز قبل از چهارشنبه سوری و سال نو براساس جنب و جوش مردم شهر میروان، در این شهر حکومت نظامی برقرار کرده بود و برای جلوگیری از اعتراضات مردم در شب های چهارشنبه سوری و سال نو و همچنین شایعه حضور رهبران حزب کمونیست کارگری ایران در میان مردم شهر میروان در شب سال نو، از شهر های دیگر نیروی ویژه و کمکی آورده بود و برای کنترل مردم در آن روزها و جلوگیری از ورود ما به شهر به تمام نیروهایش در مقر و پایگاههای شهر و اطراف آن آماده باش کامل اعلام کرده بود و در تمام راههای ورودی و خروجی شهر کمین گذاری نموده بود.

ما علیرغم کل این وضعیت به آسانی وارد شهر شدیم و به مدت بیش از یک ساعت کنترل دو محله تازه آباد و دارسیران که در فاصله ۱۵۰ متری پایگاه و مقر رژیم بود را بدست گرفتیم و رفقا عبدالله دارابی و مجید حسینی اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران ضمن گفتگو و تریک سال نو به مردم برای آنها سخنرانی نمودند و در هنگام خروج از شهر از فاصله ۵۰ متری نیرو های رژیم که در راههای خروجی کمین گذاری کرده بودند، عبور کردیم. بعلاوه روحیه مردم بخصوص جوانان و زنان بشدت بالا و تعرضی بود و در تمام طول این مدت و اجرای کل این پروژه، با اشتیاق و جسارت ما را راهنمایی می کردند، کمین گذاری و تحرکات و جایجایی نیرو های رژیم را لحظه به لحظه به ما اطلاع می دادند و برای نیروی حفاظتی ما یک حفاظ بزرگ امنیتی ایجاد کرده بودند و در جایجاکردن و کمک کردن به ما از همدیگر سبقت می گرفتند.

- به نظر شما رابطه مردم و نیروی حفاظتی به نسبت دوره های پیشین چه تغییراتی کرده است؟

یدی کریمی: همانطور که در سوال قبلی به آن اشاره کردم رابطه مردم با حزب و نیروی حفاظتی حزب بشدت تغییر کرده و همکاری، همراهی، راهنمایی و تامین امنیت از طرف مردم برای نیروی حفاظتی حزب نسبت به گذشته خیلی وسیعتر، نزدیکتر، مستحکم تر و برنامه ریزی شده تر شده است. و در این جا می توانم به جرات بگویم که در آن شب (سال نو) با توجه به آرایش و آمادگی نظامی که

نیروهای رژیم به خود گرفته بودند، اگر این رابطه نزدیک و صمیمانه و وسیع بین مردم و نیروی حفاظتی و در واقع بین مردم و حزب وجود نداشت، وارد شدن و کنترل شهر امکان پذیر نبود. رابطه و همکاری وسیع مردم با ما یکی از عوامل و فاکتور اساسی در امکان پذیر کردن این حرکت و اجرای موفقیت آمیز این پروژه بود.

- خود شما از نظر جوانب تخصصی کار تا چه اندازه به موفق بودن کارتان و ماموریتان مطمئن بودید؟

یدی کریمی: ما با توجه به: ۱- تحلیل و ارزیابی از اوضاع پر تحول سیاسی در ایران ۲- موقعیت و وضعیت وخیم رژیم جمهوری اسلامی و متزلزل بودن نیروهایش (نیرویی که رژیم را در سرانجام سقوط می بیند و نمی خواهد

خود و خانواده اش را فدای رژیمی کند که عمرش به پایان رسیده و رفتنی شده است) ۳- موقعیت مردم (مردمی که عزم جزم کرده رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کند)

۴- رابطه نزدیک مردم با حزب و محبوب بودن حزب و رهبرانش در میان مردم ۵- اعتماد به تشخیص، درایت و طرح ریزی دقیق رهبری حزب و رهبری کمیته کردستان ۶- آمادگی، کاردانی، مهارت و تجارب غنی نیروی حفاظتی حزب؛

از موفق بودن کار و ماموریتمان کاملاً مطمئن بودیم و این پروژه را به همان صورتی که طرح ریزی کرده بودیم، اجرا نمودیم.

- چه پیامی برای مردم و چه توصیه هائی برای حزب دارید؟

یدی کریمی: مردم! جمهوری اسلامی رفتنی است و روز های آخر عمرش را می گذارند. اعتراضات و مبارزات خود را هر چه وسیع تر و متحدتر کنید و برای هر چه کوتاه تر کردن عمر این رژیم و سرنگونی آن به حزب کمونیست کارگری ایران، حزبی که پیام آور آزادی و برابری است، بپیوندید و آنرا از هر لحاظ تقویت و گسترش دهید.

و توصیه من به حزب این است که در این شرایط پر تحول و حساس جامعه ایران و برای سرنگونی این رژیم ضد بشری همراه مردم ایران و بدست گرفتن قدرت سیاسی و برقرار کردن جامعه آزاد و برابر، هیچ فرصتی را از دست ندهد و خود را هر چه بیشتر برای جواب دادن به این شرایط آماده تر کند.

از سایت کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران:
سایت ایسکرا
دیدن کنید:

<http://www.iskraa.com>

در سایت ایسکرا علاوه بر دسترسی به آخرین اطلاعیه های کمیته کردستان و مقالات و نوشته ها و مصاحبه های کادرهای کمیته کردستان، به دیگر سایتهای حزب، بنیاد منصور حکمت و سایتهای روزنه و سایر منابع مفید دسترسی خواهید داشت.

بازی نیروهای سناریو سیاه با مدنیت جامعه عراق (ادامه از صفحه ۱)



کاردار سفارت جمهوری اسلامی از فرماندهان سابق سپاه پاسداران و رابط و منبع تامین مالی و تدارکاتی دارو دسته مقتدا صدر است. مقامات امنیتی و نظامی آمریکا و نیز منابع "گرد" که در شورای حکومتی عراق نشسته اند، و خود زمانی نه چندان دور سر کمونیستهای عراق را برای رژیم اسلامی می بریند، مدارکی "انکار ناپذیر" در دست دارند که جنایت فجیع فلوجه و مثله کردن ۴ آمریکائی و تحریکات نیروهای وابسته به مقتدا صدر مستقیماً توسط جمهوری اسلامی هدایت شده است! بدین ترتیب دامنه تلاش رژیم رو به مرگ اسلامی برای بقا خود از طریق بازی کردن با خون و اجساد تکه پاره شده شهروندان عراقی و غیر عراقی، کابوس توحش آویزان بر فراز جامعه عراق را وحشتناکتر و سهمگین تر کرده است.

صحنه سیاسی عراق عرض اندام مدنیت و به میدان آمدن نیروهای مدافع جهان متمدن و دخالت فعالانه و مستولانه تنها امید مردم عراق، حزب کمونیست کارگری عراق، را می طلبد.

۶ مارس ۲۰۰۴

کمک مالی به کمیته کردستان

رفقای واحد وستروس
۵۰۰۰ کرون
مریم افراسیابور
۲۰۰۰ کرون

درونی برای خود مشروعیت کسب کنند، اوضاع برای دخالت متمدنانه مردم برای تعیین تکلیف جامعه خود فراهم میشود. یک فاکتور تعیین کننده برای حفظ مدنیت نه تنها در عراق بلکه در منطقه، جمهوری اسلامی است. بزیر کشیدن قدرت دولتی اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در حکومت، گامی جدی در راستای پایان دادن به سناریو سیاه است.

دو سوی عناصر سناریو سیاه، مدام یکدیگر را بازتولید میکنند و مادام که این نیروها در جامعه عراق میداندار و یکی در مقام "حاکم" و دیگری در موقعیت نیروی "جهادگر" بعنوان "ضد اشغال" فعال بمانند، امید بی برون رفت از توحش به گلوله بستنها و بمبهای انتحاری و تصفیه های خونین درون این دو قطب خانواده بانیان و معماران سناریو سیاه نیست.

در آنسو، جمهوری اسلامی در بستر مرگ، فرصت می یابد چند صباحی دیگر نفس بکشد و امید به جولان ارتجاع اسلامی را در چنین لجنزار خونینی، در لاشه متعفن خود بدمد. جامعه عراق و زندگی شهروندان آن به میدان آزمایش جنگ منافع آمریکا و نیروهای اسلامی و محل درگیری و تصفیه حسابهای خونین بین فراکسیونهای مختلف حکومتی و خارج حکومتی نیروهای سیاه تبدیل شده است. در این رویدادها طبق گزارش روزنامه "الحیات" آثار دخالت سران رژیم اسلامی کاملاً رد یابی شده است. گفته شده است که "حسن کاظمی قمی"

همان مردم کردستان روبرو دیدند، مراسم شادی و ذوق را به سرسپردگان قوم پرست و حلقه بگوش و نمایندگان خود گمارده "کردستان شرقی" سپردند. نفرت، نفرت تولید میکند و انتقام و اعتراض به درگیریها بین نیروهای ارتجاعی و اشغالگر مدام بازسازی میشود. این سیر فروپاشی مدنیت در عراق و تبدیل آن مملکت به میدان رقابتها و کشمکش بین عناصر سناریو سیاه، فقط تروریسم کور و تمایل به خشونت را بازتولید میکند.

راه عبور جامعه عراق از این وضعیت فلاکتبار و هولناک و خلاصی از کابوس هر روزه ای که بالای سر شهروندان بی دفاع و غیردخیل جامعه عراق در ایجاد چنین شرایطی است، عروج جنبش آزادیخواهانه و سکولار و پایان دادن به دستبندیهای قومی و مذهبی، احیای اراده مردم و کنترل اوضاع توسط خود مردم، پایان دادن به اشغال عراق و سپردن سرنوشت آن جامعه به دست مردم است. در یک شرایط متعارف و غیر جنگی بلور از رعب و وحشت تروریسم کور، در شرایطی که دست نیروهای ارتجاع اسلامی از جامعه عراق کوتاه شده باشد و در شرایطی که چنین باندنهائی که همتایانشان در شورای حکومتی عراق جا خوش کرده اند، نتوانند و امکان و فرصت نیابند تا با تکیه بر خشم و احساسات بحق مردم از میلیتاریسم و استیلا جوئی اشغالگران بعنوان قهرمانان "جهاد" و نیروی "ضد اشغالگر" برای بمب گزاریها و تصفیه های

ایران است، به طرز فجیعی به قتل رسید، پس از مدتی باقر حکیم قربانی تصفیه های درونی باندهای اسلامی شد و این داستان ترورها و بمب گزاریهای انتحاری از همان شروع اشغال عراق توسط آمریکا و نیروهای متحدش زندگی را بر مردم عراق حرام کرده است. عادت دادن مردم غیر نظامی کوچه و بازار به ترور کور، از عواقب و نتایج سناریو سیاهی است که بانی و مسبب آن، بلر و بوش و حکومت آنها هستند.

اینها آمدند مشتتی از مزدوران خود را بعنوان حکام شورای موقت بر مردم عراق گماردند و برادرزاده ها و پسر عموهای قدری تندروتر همانها را در خارج از حکومت نگاه داشتند، بخشی را هم بر کرکوک و نیز برخی شهرهای کردستان عراق حاکم کردند و برخی دیگر را به موقعیتی پائین تر راندند و پاکسازیهها و کینه جوئیهای بین کرد و عرب و قومهها و ملیتهای دست ساز از نوع ترکمن را از نو و در مقیاسی به مراتب وحشتناکتر از دوران رژیم بعث، بنیان گذاشتند. جنگ قدرت گروهها و دستجات ارتجاعی و جنگ بر سر تسلط بر ویرانه ای که بنام عراق "آزاد شده" بر جای گذاشتند، زیر سایه نظارت تانکها و هلیکوپترهای آپاچی و بریگادهای همواره آماده باش و همیشه دست بر ماشه، نشانی از فروکش ندارد.

در میان چنین سناریو خونین و سیاهی، بخشی از نیروهای کرد شورای حکومت دست نشانده، که تصمیم بازمه موقت اداره "فدرالی" کردستان را با بی تفاوتی و نفرت

سربازان آمریکائی و حمل "سوغات" اجساد قربانیان برای مردم آمریکا، نقشه خود را پیگیری میکنند. به نظر میرسد فشار افکار عمومی مردم آمریکا و نیروهای ضد جنگ و ضد میلیتاریسم آمریکا که در سالگرد اشغال عراق دامنه وسیعی در آمریکا داشت، تاثیر چندانی در تصمیم دولت بوش ندارد. قرار نیست قربانی شدن هرتعداد سرباز آمریکائی شکست بوش را در انتخابات پیشرویی جار بزند. به همین دلیل آمار واقعی تلفات نیروهای آمریکائی را هنوز اعلام نمیکند. دهمکراسی نیابتی و قبضه قدرت توسط دو حزب سرمایه داران و کمپانیهای آمریکائی بر چنین بی پرسنسیپها و نقض آشکار رای و تصمیم مردم استوار است. بهانه دور جدید درگیریها، ظاهراً دستگیری معاون مقتدا صدر و بستن روزنامه "الحوزه" وابسته به او بوده است. طبق گزارش خبرگزاریهای بین المللی، درگیری و رویارویی "شیعیان تندرو" با نیروهای "اشغالگر" از شدیدترین نوع آن از زمان سقوط صدام پس از تهاجم به عراق است.

گفته شده است که تحصن مقتدا صدر و نطقهای تحریک آمیز او پس از دستگیری معاونش، مصطفی الیعبوبی، مسبب تظاهرات خشمگینانه هواداران او بوده است. سال گذشته در یک تصفیه درونی بین نیروهای اسلامی، "آیت الله" المجید خوئی که هنگام بازگشت به "میهن" توسط تونی بلر از فرودگاه لندن بدرقه شد، توسط نیروهای صدر، که از دوستان نزدیک سران رژیم اسلامی در

اول مه را تعطیل کنیم و به خیابان بیائیم

آمدگی مان را، اراده مان را، عزم جزممان را برای تغییر این وضع اعلام کنیم.

کارگران، معلمان، زنان، جوانان، مردم آزادخواه!
روز کارگر روز اعتراض به تمام نابرابریها و تبعیضات و بیحقوقی هاست. روز اعلام انزجار از نظام سرمایه داری، روز اعتراض به فقر و بیکاری، روز اعتراض به عاملان سیه روزی ما و روز اعلام آمدگی برای تغییر این اوضاع است. اول مه روز همه ما است. یکصدا و متحد همه جا را تعطیل کنیم و به خیابان بیائیم.

زنده باد اول مه

زنده باد اتحاد جهانی کارگران

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ فروردین ۸۳

اول ماه مه، (امسال ۱۲ اردیبهشت)، روز جهانی کارگر است. این روز باید همه جا تعطیل شود. نه فقط کارخانه ها که همه جا باید تعطیل کنیم و صدایمان را بلند کنیم. اجتماعات بزرگ برپا کنیم و خواست هایمان را همه جا اعلام کنیم. اول مه باید شعارها مال ما باشد و بلندگوها دست ما باشد. اعلام کنیم که این شرایط غیر انسانی را دیگر تحمل نمیکنیم. اعلام کنیم که کشتار رفقایمان در خاتون آباد و شهربابک را محکوم میکنیم، که از سرکوب رفقایمان در نساجی های اصفهان اعلام انزجار میکنیم و خواهان معرفی و مجازات عاملان کشتار و سرکوب هستیم. نفرت مان را از اخراج هزاران رفیقمان در سدکارون و در سراسر کشور اعلام کنیم. اعلام کنیم که نپرداختن مزد کارگر جنایت است، که دستمزدهای زیر خط فقر بس است.

این زندگی نیست که به ما و بچه هایمان تحمیل کرده اند. نه مزد کافی میدهند، نه همان مزد را تمام و کمال میپردازند، نه بیمه بیکاری داریم، نه ایمنی داریم، نه آزادی بیان داریم، نه حق تشکل و اعتصاب. همه جا را تعطیل کنیم، به خیابان بیائیم و با صدای بلند اعلام کنیم کارگران جهان متحد شوید، بگوئیم مرگ بر سرمایه داری، مرگ بر تبعیض و نابرابری، نابود باد فقر و بیکاری. اجتماع کنیم و در سخنرانی ها و در قطعنامه هایمان از مبارزات رفقایمان در چهارگوشه کشور و در سراسر جهان پشتیبانی کنیم، با صدای بلند از مبارزات معلمان و پرستاران و سایر زحمتکشان برای یک زندگی بهتر حمایت کنیم، صفوفمان را متحد کنیم و

۰۰۰ کومه له کجاست؟

(ادامه از صفحه ۳)

ایران را به دفاع از خواست مردم کردستان عراق برای رفع ستم چندین ساله فرامیخوانیم...

برای کسی که پروسه فوق را تعقیب کرده باشد، میدانند که این دیالکت دیگری از زبان دیپلماسی چادر و رادیو و اردوگاه و همان سیاست دیپلماسی در شکافهای منطقه است. منظور این است که مضحکه قانون اساسی آمریکایی اسلامی قومی عراق میخواهد ستم کرد را حل کند، کدام ستم؟ مساله کرد در عراق، با رفتن رژیم فاشیستی بعث و دخیل شدن احزاب ملی عشایر کرد در خیمه شب بازی مجلس حکم و حاکمیت مرکزی!! چه کسانی باز میخواهد با دفاع از همین دسته های مسلح و قوایشان مسله کرد، در عراق حل شود!!!

خوب اگر این محدودیت اردوگاه و چادر و نان، کسی را ناچار میکند که حرفش را طوری دیگر بر زبان بیاورد، تئوری شکست آدرین - حجازیان، که رزق و روزی کسی را در دست ندارد. بیابیه پلنوم اخیر را چکار میکنند؟ بیابیه ای که آشکارا دست در دست تئوری شکست و تسلیم میگردد. پلنومی که شکست و خرداد را در پارکراف اول خود به پای جناح محافظه کار می نویسد و جامعه را صحنه جدال جناحهای رژیم می پندارد و نیروی مردم را قلم میگیرد، پلنومی

که معتقد است، پرچم "اصلاحات" در دست روشنفکران لیبرال بر افراشته شود و مردم باید منتظر بمانند تا این روشنفکران کاری برایشان بکنند، پلنومی که آگاهانه جریانات ارتجاعی قومی و مشخصا یکیتی و پارتی را از صحنه بازیگران سناریوی سیاه در عراق بیرون میکشد و یکجا آب تطهیر بر نقش ناسیونالیسم کرد در برزخ جاری عراق، می پاشد. این همه راست روی را که نمی شود به بهانه اردوگاه و... تحویل عضوی داد که خود را کمونیست و سوسیالیست تعریف کرده است. این دیگر با چه توجیه میشود؟ ابراهیم علیزاده و کمیته مرکزی کومه له، میتوانند این یکی فرصت را از دست ندهند و در کنار مردم عراق و مبارزات انقلابی مردم ایران امیدوار بمانند. حداقل میتوانند به سیاق ده سال گذشته چیزی نگویند، دهسال است در جلسات و جمعها زیر تیتیر "اوضاع سیاسی ایران و کردستان" تمرین میکنند که چیزی نگفته باشند، اینبار هم می توانستند همانطور رفتار کنند. پلنوم کومه له میشد خود را برای استقبال انقلاب آتی ایران مهیا کند. اما نه! عالم واقعی دنیای سیاست، سرسخت تر، از این آرزوها است. این همه تلاش و دل سوزاندن با یاس تاسف انگیزی جواب میگیرد. جریانی که بیش از یک دهه است انتظار افکش، سکوت و مماشاش سیاستش و صبر و محدودیت پذیری توجیه هاتش

۲۵ مارس ۲۰۰۴

دستگیر شدگان اعتراضات اخیر

در اصفهان فوراً باید آزاد شوند

بدنبال اعتراض روز ۱۵ فروردین ماه مردم اصفهان علیه دو صندوق قرض الحسنه که پولهای آنها را بالا کشیده اند، شماری از مردم معترض دستگیر شده اند. مقامات نیروهای سرکوبگر رژیم نیز به این امر اعتراف دارند. ذوالفقاری فرمانده نیروهای انتظامی اصفهان در جمع خبرنگاران گفته است که حدود ۲۵ نفر از معترضین دستگیر شده اند. این دستگیریها زمانی اتفاق افتاد که مردم روز ۱۵ فروردین ماه برای طلب کردن پولهای خود از دو صندوق قرض الحسنه، محمد رسول الله و آل طه، اقدام به برپایی یک تجمع اعتراضی وسیع و گسترده در شهر اصفهان کردند. بنا به خبر دریافتی، در این روز مردم با تجمع در خیابان و فلکه احمد آباد و خیابان جی، محل استقرار این صندوقها، علیه زانو صفتانی که از قبل اندوخته های ناچیز مردم پروار شده اند شعار سر دادند. جمعیت خشمگین با مسدود کردن خیابان، شیشه های چند بانک اطراف را شکستند و بسوی استانداری اصفهان راهپیمایی کردند که با سرکوب نیروهای پلیس و پاسدار روبرو شدند. مردم شعارهایی علیه گودرزی، رئیس هیات مدیره یکی از صندوق ها و همچنین استاندار اصفهان سر می دادند.

بنا به گزارشات موجود حدود دویست و پنجاه هزار نفر از مردم اصفهان در صندوق محمد رسول الله سپرده دارند. این صندوق ها از محل ذخیره های ناچیز کارگران و اقشار زحمتکش، سرمایه های کلانی به جیب زده اند و اکنون که در رقابت با بانک مرکزی به ورشکستگی و یا بحران کشیده شده اند، درصددند که پولهای مردم را بالا بکشند و آنها را سر بدوانند. جمهوری اسلامی که خود رئیس دزدان و چپاولگران است، پاسخ اعتراض حق طلبانه مردم را با سرکوب و دستگیری می دهد.

حزب کمونیست کارگری دستگیری و سرکوب مردم اصفهان را محکوم می کند و همه مردم شریف و مبارز اصفهان را فرا می خواند که برای آزادی دستگیرشدگان اخیر تلاش کنند. همه دستگیر شدگان فوراً و بی درنگ باید آزاد شوند و پولهای مردم باید به آنها پس داده شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ فروردین ماه ۱۳۸۳ - ۶ آوریل ۲۰۰۴